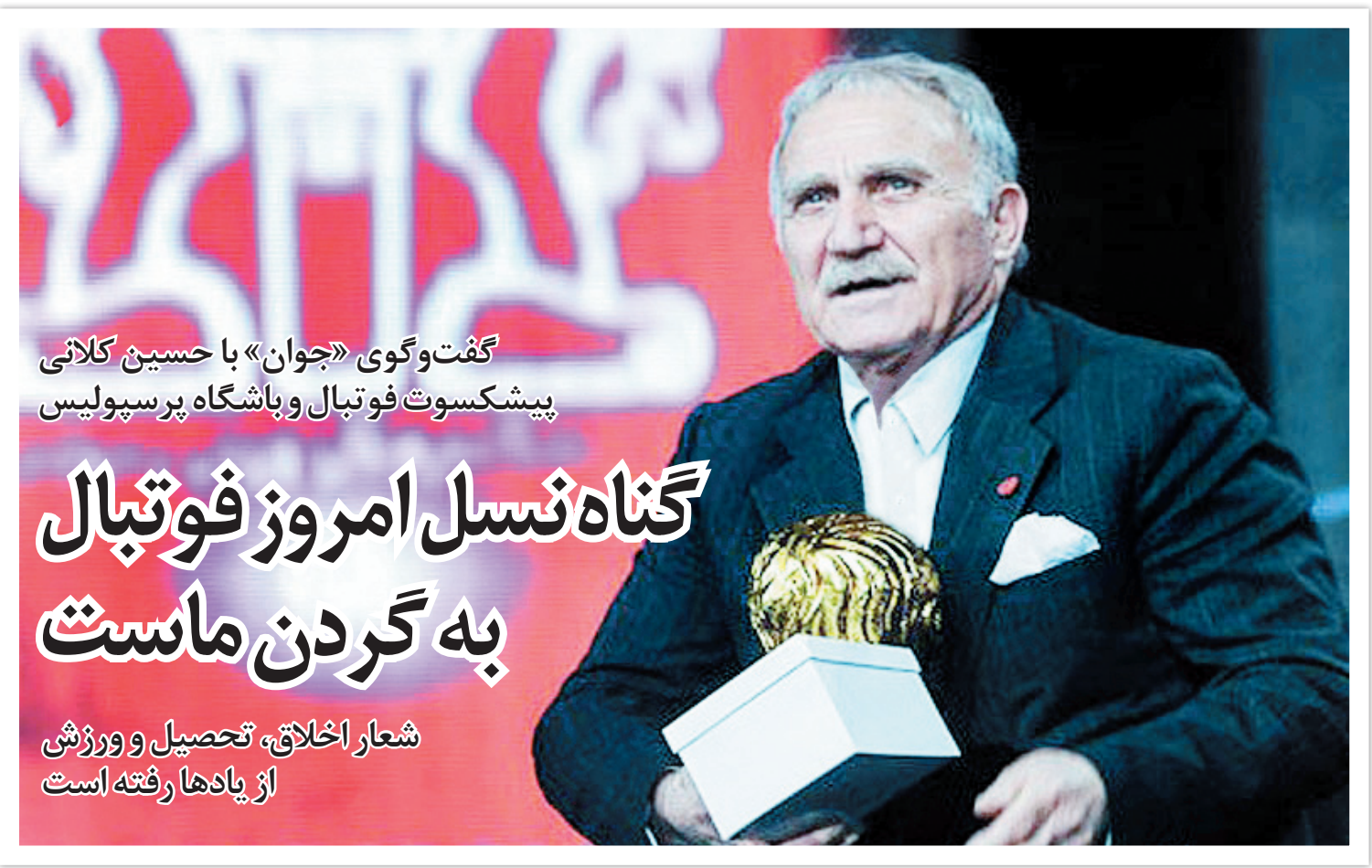


گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۸۸



گفت‌وگوی «جوان» با حسین کلانی پیشکسوت فوتبال و باشگاه پرسپولیس

گناه نسل امروز فوتبال به گردن ماست

شعار اخلاق، تحصیل و ورزش از یادها رفته است

هم‌زمان با آموزش تکنیک‌های فوتبال، تکنیک‌های اخلاق را هم آموخت. تکنیک‌هایی که این روزها از جزوه‌های تدریس فوتبال حذف شده است. حرف از حسین کلانی، مهندس سر سپولیس است. همان پسر بچه مو بور دپروز که وقتی در کوچه پس کوچه‌های شمیرانات فوتبال بازی می کرد، اگر فارسی حرف نمی زد، تصور می شد از فرزندان اهالی سفارت کشورهای اروپایی در ایران است. اما این پسر بچه مو بور و چشم آبی، فرزند ایران بود. کسی که بعد از سال‌ها، همانند همان جوان پر شور، قلبش برای کشورش و فوتبال آن می تپد.

گفتید مرام پهلوانی، امروزه

فوتبالیست‌های ما برای مسائل اخلاقی هم کمتر این ارزشی قائل نیستند، چه برسد به رعایت اصول پهلوانی. در حالی که همانطور که خودتان هم اشاره می کنید آن زمان قهرمانان ما پهلوانان ما بودند.

آنها گناهی ندارند، در واقع گناه این حلقه مفقوده‌ای که شما را آزار می دهد به گردن ماست که به عنوان یک بزرگ‌تر و به عنوان یک معلم آنچه را که به ما یاد دادند به آنها یاد دادیم، ما زمانی که به سن و سال اینها بودیم، معلمانی داشتیم مثل مرحوم اکرامی ها، مرحوم فکری ها، مرحوم امیرعاصف‌ها، مرحوم دهناری ها، دکتر برومندها، دکتر مجتهدی‌ها، دکتر بنی احمدها و دکتر بنایی‌ها که هر کدام اسوده‌های اخلاقی بودند و کسانی که به ما یاد دادند چگونه زندگی کنیم. آما من و امثال من چیزی به این بچه‌ها یاد ندادیم. آما وقت و زمانمان را گذاشتیم و به عنوان یک معلم در طول هفته یک ساعت، نیم ساعت یا اینصاحبت کردیم و راه و رسم زندگی ورزشی و زندگی آینده‌شان را به آنها یاد دادیم؟ نه. پس الان چه توقعی از آنها داریم؟

همه مسائل یاد دادنی نیست، بعضی چیزها ذاتی است. مثل احترام به بزرگ تر. یعنی کسی باید به باز بکنان پرسپولیس یاد می داد وظیفه دارند در مراسم ختم مرحوم بهزادی شرکت کنند؟ اینها گفتن ندارد.

وقتی شما به یک بچه الفبا را یاد نداده‌اید چطور می خواهید برایتان جمله یا حتی نام خودش را بنویسد؟ قیاس با مدرست نیست. من و شما، در چنین شرایطی، با بلورها با داشته‌های آن زمان، بلورها و داشته‌های الان را باهم مقایسه می کنیم. شرایط را باید در نظر بگیریم حجب و حیایی که آن زمان بود، الان نیست. اما چرا؟ به این فکر کرده‌اید؟ تنبیه و زدن فایده‌ای ندارد، بچه اگر اشتباه کرد نباید حبسش کنید در تاریکی یا بزنید، باید صحبت کنید، توضیح بدهید، بچه بخار کنی را می بیند می خواهد دست بزند، می گویم نکن، باز ادامه می دهد، می گویم بکن، دستش کمی سوزش باعث می شود ادامه ندهد. یعنی ما نشانش می دهیم، یاد می دهیم، مرحوم اکرامی گفت اخلاق، درس، ورزش، اخلاق داشته باشید تابع معلم هستید. معلم وقتی می بیند تابع هستید

قبل از هر چیز در خصوص از دست دادن همایون بهزادی بگویند که پرسپولیس و جامعه فوتبال را داغدار کرد.

از دست دادن همیشه سخت است. خصوصاً این که هر قدمی برمی دارید، یاد خاطراتی که داشتید می افتد. اما اندکی که می گذرد شرایط عادی تر می شود. همانطور که می گویند، خاک فراموشی می آورد که اگر نمی آورد زندگی ممکن نبود. اما خاطرات آنها همیشه هست. خصوصاً خوبی‌ها که بیشتر در خاطرم ان می ماند تا بدی‌ها. با این وجود، قصوری که داشتیم بیشتر به شکل پشیمانی و حسرت باقی می ماند و باعث ناراحتی می شود و این مثل تنبیهی است که خداوند برای ما در نظر گرفته تا یادمان نرود اجغافی را که در حق دوستان و اطرافیانمان کرده‌ایم. اما شما ترک نمی کنید کسی که شما را ترک کرده است.

اما پرسپولیس سر طلایی اش را از دست داد. مردی که دیگر هیچ وقت برای این فوتبال تکرار نمی شود.

بهزادی یکی از اسوه‌ها و اسطور‌های ایران است نه فقط پرسپولیس که نظیرش در آینده هم نخواهد آمد، به چند علت. شاید خیلی حافظ او را از فوتبالی‌یشانند. همایون یک فوتبالیست تمام عیار بود که باز هایش هر گز فراموش نمی شود. علاوه بر آن، او یک فرهیخته هم بود که در ادبیات تحصیل کرده و در عرفان هم دستی داشت. وقتی دور هم بودیم به دلیل دانشی که داشت چیزهای زیادی به ما یاد می داد و تأثیر زیادی در زندگی ورزشی و پهلوانی ما داشت.

خیلی‌ها بر این باور هستند که پیشکسوتان ما از بی توجهی‌هاست که دق می کنند و یکی یکی می روند.

هیچ وقت به پیشکسوتان ما توجه نمی شود و هر چه گفته می شود فقط شعر است. این مال الان نیست. مسئله پیشکسوت‌ها را بارها و بارها مطرح می کنیم، ببینید چند کمیته، چند سازمان حمایت از پیشکسوتان وجود دارد؟ هر از چندگاهی می شنوم دوستان گامی در حمایت از پیشکسوتان برداشتنند اما آا هدف حمایتی است که گفته می شود؟ چرا که بعد از مدتی مشخص می شود نه. اهداف دیگری پشت آن خوابیده. البته من واجد شرایط نیستم که در این زمینه حرف بزنم فقط به عنوان یک پیشکسوت می توانم بعضی مسائل را بگویم. اما چرا الان باید دوست من فربرز اسماعیلی گوشه بیمارستان سینا افتاده باشد و کسی نداند که چه بر سرش آمده؟ یک تفاوتی بین بعضی از پیشکسوتان هست. شرایط زندگی، شرایط اجتماعی و شرایط خانواده‌ای همه آنها یکی نیست و باهم متفاوت است. بعضی‌ها بی نیاز هستند. بعضی‌ها اما مشکلاتی دارند در زندگی که وظیفه ماست آن را به شکل آرام‌مندی حل کنیم. برای اینکه پیشکسوتان ورزشی ما بی نیازی مقابل خواسته‌هایی را که دارند آموخته‌اند. مسئله‌ای که به آنها اجازه نمی دهد دست تمنا دراز کنند و چیزی بخواهند. پیشکسوتان آنقدر عزت نفس دارند که اگر بمیرند هم دست نیاز جلوی کسی در نمی کنند. اما این نباید باعث شود ما آنها را به دست فراموشی بسپاریم و وقتی که از بین ما رفتند بگوییم که چه حیف شد.

همانطور که گفتید شرایط بعضی از آنها بسیار حاد است اما با این وجود به نظر می رسد تنها خواهان توجه هستند.

بله، مگر ما چه تعداد پیشکسوت واجد شرایط داریم که نیاز باشد به زندگی آنها آامش بدهیم؟ بعضی پیشکسوت‌های ما به دلیل شرایط اقتصادی نامناسبی که دارند احترامشان نزد خانواده‌شان نیز حفظ نمی شود. این خیلی در دناک است. اما چه کمکی شد؟ سه سال است تلاش می کنیم یک باشگاه پیشکسوتان درست کنیم که پیشکسوتان بتوانند در آن دور هم جمع بشوند و ناهاری بخورند و گپی بزنند، خاطرات گذشته را مرور کنند و با آرامش روحی راهی خانه شوند تا کمتر با مواخذه خانواده مواجه شوند اما فقط شعار می شنویم و وعده امروز و فردا. مدام می گویند اینجا را داده‌ایم، این جا را داده‌ایم، این کار را کرده‌ایم آن کار را کرده‌ایم. اما چه کاری کرده‌ایم به راستی؟

با وجود تمام مشکلاتی که وجود دارد اما عزت نفس و رفتار پیشکسوتان فوتبال ایران همچنان باز نذا است. مسئله مهمی که در فوتبالیست‌های امروز دیده نمی شود.

مقایسه فوتبالیست‌های امروز با زمان ما اصلاً درست نیست. آن زمان، قهرمانان تمام رشته‌های ورزشی، حتی ضعیف‌ترین رشته مثل راه پیمایی که همه می توانستند انجام دهند، باید رفتارها و منش‌های پهلوانی را رعایت می کردند به همین دلیل هم بود که همه قهرمانان‌ها پهلوانان مملکت ما بودند. یعنی مردم از آنها توقع داشتند و آنها مجبور بودند در مقابل این توقع مردم، تمام آن خواسته‌ها را برآورده کنند و در خدمت مردم و مملکتشان باشند. از خود گذشته باشند، اپارگر باشند.

جوان ۹۴۴۳

روزنامه جوان | شماره ۴۴۴۳

12 ZOOM

نسل تکرار نشدنی، نسل فراموش نشدنی

ورزش را در باشگاه شاهین با اخلاق، تحصیل و ورزش اجرایی کرده است. فقط می شنیدم خاطر جمع از اینکه موبایل حیدری حرف‌ها را ضبط می کند، می دیدم و تک تک حرکات یک نسل تکرار نشدنی را در ذهنم ثبت و ضبط می کردم. امروز این را می گویم که فردا دیر نشود کالنی مثل بهزادی تا امروز هیچگاه عددی نشان نداده هیچگاه عدد ۱۳ را نشان نداده که برعکس افتخارش استقلال است، افتخارش پرسپولیس است و افتخارش ایرانی است که در هوای آن نفس می کشد. خدا یا این چه نسلی است؟ این چه اعجوبه‌هایی هستند؟ که اینگونه به هم افتخار می کنند، حسین کلانی به منصور پورحیدری و حسن روشن می یالد و افسوس نبودن حجازی و بهزادی غصه‌دارش می کند. این نسل تکرار نشدنی و فراموش نشدنی است و نسلی که امروز می بینیم متأسفانه جایی در ذهنمان ندارد.

■ فریدون حسن

تعجب‌برانگیز است جلوی یکی از بنیانگذاران پرسپولیس بنشیننی و از استقلال یابه قول او «تاج» بشنوی. این نسل چه نسلی است آخر؟ نسلی چشم‌پاک، سر به زیر و البته حرفه‌ای در فوتبال و تحصیل کرده و با کلاس، نسلی که کم‌کم از دست می روند و ما بی خیالیم. همایون بهزادی آخرین سفر کرده این نسل است؛ مردی که همه می داند هیچ گاه شش و چهار را با انگشتانش نشان نداد در حالی که هر دورا در کارنامه داشت. شنبه بود که جلوی استاد، مهندس، بزرگ و مرد محبوب فوتبال ایران حسین کلانی نشستیم. او از دیروز و امروز گفت، دو ساعتی طول کشید و من در این دو ساعت فقط نگاه می کردم و حظ می بردم از رویه روی بانسلی که سال‌ها پیش فرمان حضرت آقا به جوانان در تهذیب، تحصیل

بالا می رود. بعد وقتی بازی‌های داخلی یا ملی خودمان را می بینید، نمی توانید راضی باشید. حق دارید. اما شرایطی که مقایسه می کنیم همسان نیست.

اما شرایط شما هم آن زمان با رو بایی‌ها یکی نبود اما بازی‌ها زیبا و دلچسب بود.

قبل از هر چیز بگویم مسا باید سرمان را جلوی توپ می گذاشتیم. چون چیزی که به دست می آوردیم با میلیاردها میلیارد به ما نمی دادند. ما احترام مردم را داشتیم که با هیچ رقمی قابل مقایسه نیست. با این تفاوت که من نوعی، فوتبال شغلم نبود. کارم را داشتیم، تحصیل را هم داشتیم. ضمن اینکه فوتبال باعث می شد آلترناتیو هر شغلی باشم، وارد جایی می شدم کارم را راه می انداختند. من آماتور فوتبال بازی می کردم اما اگر کنارش هم می گذاشتم زندگی‌ام را داشتیم، اما فوتبالیست‌های الان چه؟ اتفاقی برایشان اگر بیفتد، زندگی آنها تمام می شود. خیلی‌ا الان کجاست؟ مگر نمی گفتند علی دایی دوم است، تازه او خیلی هم معروف بود. آندار چی شرکت من باز یک نیم جوانان بود. یک مصدومیت زندگی اش را تغییر داد، بگذارد یک مثال عینی بگویم برایتان. یک زمانی در هیئت فوتبال تهران بسودم، در یک برنامه تلویزیونی مرا دعوت کردند. گفتند باز یککنان مایی غیرت هستن، گفتن، چرا؟ گفتند در فلان بازی، فلان بازیکن می توانست توپ را شوت کند، اما وقتی تکل رفتند، از روی توپ پرید. گفتن کار خوبی کرد. می ندید چرا، به دلیل شرایطی که داشت، به شغلش که فوتبال بود احتیاج داشت. پایش را اگر می داد، هم زندگی خودش نبود بود، هم زندگی خانواده اش، به هزار و دویست تومن می که می گرفت احتیاج داشت. همان زمان، نیس گنز

اما این مشکلات برای همه هست.

بله، اما شما گناه کنید که در جای جامعه بیشتر دیده می شود؟ بی اخلاقی‌ها، ناهنجاری‌ها همه جای جامعه وجود دارد اما آما از همه جامعه جدا می گذریم. کافی است نگاهش قبول این بی اخلاقی‌ها و بی تفاوتی‌ها کار آسانی نیست. از نسل شما پیش می رود. اما ما این اصول را پیش بر داریم یا باز یکنمان را اینگونه هدایت کردیم؟

قبول این بی اخلاقی‌ها و بی تفاوتی‌ها کار آسانی نیست. از نسل شما پیش می رود. اما ما این اصول را پیش بر داریم یا باز یکنان آنها از روی نیمکت و سکو هم حرس می خورند اما فوتبالیست‌های

ما...

بله، فوتبالیست‌های ما بی خیال هستند. اما این هم دلیل دارد. از نسل ما گفتید و حالا از فوتبالیست‌های اروپایی. این بی تفاوتی به باز یکنان ما القا شده است. شرایط فرهنگی ما بعد از انقلاب با یک دگرگونی کلی به دلیل شرایط خاصی که برای مملکت داشت مواجه شد. خود انقلاب یک رفرم اجتماعی است. این رفرم را ما به وجود آوردیم. هنوز نوانسته بودیم این رفرم را استوار و تابع یکسری قوانین کنیم که جنگ به وجود آمد. یک جنگ تحمیلی هشت ساله. تکه تکه کردند و با تمام سیاست‌هایی که داشتند تکه کنند. ما در آن جنگ با تمام کشورهای دنیا می جنگیدیم. فکر می کردند که چون ما از اقوام مختلف تشکیل شدیم می توانند ما را تکه تکه کنند و با تمام سیاست‌هایی که داشتند نفهمینند به و قتش یکپارچه می شویم ایران و مشت محکمی بر دهان متجاوز می زنیم. در تکه تکه کردن ایران موفق نشدنند اما این دشمنی به شکل‌های مختلف دنبال شد. این نتیجه یک حمله غیراخلاقی در زمانی است که تازه قرار بود با یک تغییرات گسترده با بگیریم. بعد از آن این دشمنی‌ها به طرق مختلف دنبال شد، به شکل مشکلات اقتصادی، مشکلاتی که به کشورهای مثل ما القا شد. خب جوانان ما می بینند که آن سوی مرزها جوانان خوشی‌هایی دارند، لباس خوب، ماشین خوب، تفریح خوب حتی رقص و آواز، اما نمی داند که اینها همه شو است برای تضعیف کردن فرهنگ کشورهایی مثل ما نمی توانیم حرفی هم بزنیم چرا که باورش برایشان سخت است. زمان می خواهد. با یکی دو ساعت در یک بازی فوتبال و چند دقیقه بین دو نیمه نمی توان فرهنگ‌سازی کرد و با تلاشی که برای نابودی فرهنگ غنی ما می شود مبارزه کرد.



بهزادی یکی از اسوه‌ها و اسطوره‌های ایران است نه فقط پرسپولیس که نظیرش در آینده هم نخواهد آمد. هما یون یک فوتبالیست تمام عیار بود که بازی‌هایش هر گز فراموش نمی شود. علاوه بر آن، او یک فرهیخته هم بود و در عرفان هم دستی داشت. وقتی دور هم بودیم به دلیل دانشی که داشت چیزهای زیادی به ما یاد می داد و تأثیر زیادی در زندگی ورزشی و پهلوانی ما داشت



کنار رئیس باشگاه نشسته بود که فکر می کردم اسپانیایی است. خیلی هم با رئیس باشگاه تال دوست بود. وقتی آمد جلو صحبت کرد دیدیم ایرانی است. گفت برای کشورم هر کاری می کنم. خب خیلی خوشحال شدیم. چه می دانستیم کیست و چه کاراست. وقتی برگشتیم دیدیم به عکس‌هایی زدند و چه چیزهایی نوشتند، گفتیم خداحافظ. ما از نامه‌های قبلی هم خبر نداشتیم و گفته بودیم فقط با اجازه مسئولان کشور امضا می کنیم.

از پرسپولیس بگویند. نتایجی که گرفته راضی کننده است؟

در خصوص پرسپولیس نمی توانم حرفی بزنم. چون بازی‌ها را از تلویزیون می بینم. شما وقتی می توانید در خصوص یک تیم فنی صحبت کنید که در بطن ماجراها تمرینات و برنامه‌های آن باشند، در خصوص پرسپولیس و برانکو، اطلاعات شما بیشتر از من است.

اما به نظر می رسد حسین کلانی با مربی خارجی خیلی موافق نیست.

من با مربی خارجی موافقم، به شرط آنکه بیاید برای آموزش. برای یاد دادن پایه‌ای به بازیکنان و مربیان ما، ما مربیان خیلی خوبی داریم. هم جوان و هم باتجربه. اما چرا نباید حرفه‌ای و با دانش روز باز بگیرند. امثال برانکو و کرش گزینه‌های خوبی هستند برای آموزش. کرش زحمت زیادی برای تیم ملی کشیده. تلاش زیادی کرده. اما هر چه هم بگوییم یک مترجم خوب است و خوب تر ترجمه می کند، احساسات را نمی تواند ترجمه کند. فراموش نکنید که ما یک فوتبال حرفه‌ای داریم که سعی می کند حرفه‌ای باشد نه یک فوتبال حرفه‌ای. فرهنگ ما خیلی متفاوت است و به همین دلیل فکر می کنم بهترین مربیان دنیا هم نمی توانند آنطور که باید در تیم‌های باشگاهی و ملی ما جواب دهند. اگر نه پرونده مربی‌ای مثل کرش که مشخص است، سرمربی تیم بر تغال، همکار فرگوسن. چی از این بالاتر. اما فرهنگ ایران، یک فرهنگ متفاوت و خاص است که نمی توان نادیده گرفت.

کای هست که حسین کلانی دوست داشته باشد برای پرسپولیس انجام دهد و نتوانسته باشد؟ خیلی وقت‌ها خیلی توپ‌ها را گل نکرده و در تمام طول هفته حسرت آن را خوردم.